



University of Tehran Press

Comparative Law Review

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-3404

Volume: 15, Issue: 2
Autumn & Winter
2024-2025

A Comparative Study of Contempt of Court in Iran and England's Legal System

Mohammadreza Darabpour^{1✉} | Nasrin Mehra² | Seyed Pouria Mousavi³

1. Corresponding Author; Department of Civil Engineering, Allameh Rafiee Institute of Higher Education, Qazvin, Iran. & Department of Criminal and Criminology Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: Darabpour@arq.ac.ir
2. Department of Criminal and Criminology Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: N_Mehra@sbu.ac.ir
3. Department of Criminal and Criminology Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. Email: Seye_Mousavi@sbu.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Received: 2024/01/08</p> <p>Received in revised form: 2024/06/27</p> <p>Accepted: 2024/07/27</p> <p>Published online: 2024/12/21</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Contempt of Court, Disobedience of Court, Crimes against Judicial Justice, Criminal Contempt, Civil Contempt.</i></p>	<p>Undoubtedly, the authority and acceptability of governments are tied to the credibility and reliability of the judicial power of that country. In progressive legal systems, contempt of court and any behavior that distorts the power and credibility of the judicial system, or makes it face a serious risk, or reduces people's trust in the administration of justice, is a crime against judicial justice. Hence, contempt of court has been recognized as an indictable, strict liability, and unpardonable offense. This article studies the behaviors that are interpreted as contempt of court in the English legal system and has explained the existing divisions of contempt of court in common and statutory laws. After this review, by using a descriptive-analytical research method, it has noted the existing gaps in the Iranian legal system. finally, by accepting this assumption, that Iran's courts have complete independence, solutions have been proposed to support the judicial position and the administration of justice in the domestic system in cases of contempt of court. However, if the necessary infrastructure is not provided to grant broad powers to the courts to severely deal with cases of contempt of court, granting such power will somehow increase judicial tyranny and restrict public freedoms.</p>
How To Cite	Darabpour, Mohammadreza; Mehra, Nasrin; Mousavi, Seyed Pouria (2024). A Comparative Study of Contempt of Court in Iran and England's Legal System. <i>Comparative Law Review</i> , 15 (2), 497-520. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2024.370049.634593
DOI	10.22059/jcl.2024.370049.634593
Publisher	The University of Tehran Press





University of Tehran Press

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

شاپا الکترونیکی: ۳۴۰۴-۳۴۲۳

دوره: ۱۵، شماره: ۲

پاییز و زمستان ۱۴۰۳

مطالعات حقوق تطبیقی

مطالعه تطبیقی اهانت به دادگاه در نظام حقوقی ایران و انگلستان

محمد رضا داراب پور^۱ | نسرين مهرا^۲ | سيد پوريا موسوي^۳

۱. نویسنده مسئول، گروه مهندسی عمران مؤسسه آموزش عالی علامه رفیعی و گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه

شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: Darabpour@arq.ac.ir

۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: N_Mehra@sbu.ac.ir

۳. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: Seye_Mousavi@sbu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۰۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: اهانت به دادگاه، اهانت کیفری، اهانت مدنی، جرایم علیه عدالت قضایی، نافرمانی از دادگاه.</p>	<p>بی شک اقتدار و مقبولیت کشورها به اعتبار و میزان قابلیت اعتماد قدرت قضایی آن کشور گره خورده است. در نظام‌های حقوقی مترقی، اهانت به دادگاه و هر رفتاری که قدرت و اعتبار دستگاه قضا را مخدوش یا با خطر جدی مواجه سازد و یا اعتماد مردم به اجرای عدالت را کاهش دهد، جرمی علیه عدالت قضایی و در معنای اهانت به تمام جامعه تفسیر می‌شود. به این جهت، اهانت به دادگاه یا نافرمانی از آن در نظام حقوقی انگلستان به‌عنوان جرمی سنگین و قابل کیفرخواست، مطلق و غیرقابل گذشت شناسایی شده است. این مقاله با مطالعه در نظام حقوقی انگلستان و معرفی تقسیمات حقوقی، رفتار اهانت‌آمیز نسبت به دادگاه و آثار حقوقی آن را در نظام عرفی و نوشته انگلستان به روش توصیفی-تحلیلی بررسی کرده، خلأهای موجود در موضوع موصوف در نظام حقوقی ایران را متذکر شده است و با این پیش‌فرض که دادگاه‌های ایران دارای استقلال کامل هستند، راهکارهایی از جمله ماده قانونی پیشنهادی برای حفظ شأن قضایی در موارد اهانت به دادگاه و حمایت از اجرای عدالت در نظام داخلی ارائه داده است. البته، چنانچه زیرساخت‌های لازم برای اعطای اختیارات گسترده به محاکم برای برخوردی شدید با موارد اهانت به دادگاه فراهم نباشد، اعطای چنین مجوزی به‌نوعی بر استبداد قضایی خواهد افزود و آزادی‌های عمومی را محدودتر خواهد کرد.</p>
استناد	داراب پور، محمد رضا؛ مهرا، نسرين؛ موسوي، سيد پوريا (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی اهانت به دادگاه در نظام حقوقی ایران و انگلستان. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۵ (۲)، ۴۹۷-۵۲۰.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2024.370049.634593 10.22059/jcl.2024.370049.634593
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

با آغاز فرایند کیفری، چرخ‌های عدالت کیفری به جریان خواهد افتاد تا عدالت را محقق سازد. هر آنچه در مسیر اجرای عدالت، از مرحله کشف جرم تا زمان ارسال پرونده به دادگاه (مرحله پیش‌دادرسی) و طرح پرونده در دادگاه و رسیدگی و قطعیت رأی (مرحله دادرسی) و نهایتاً مرحله اجرای مجازات (مرحله پس‌دادرسی) را مخدوش نماید (خزانی، ۱۳۷۷)، در نظام‌های مقتدر قضایی با واکنشی جدی، اعم از حقوقی یا کیفری، همراه خواهد بود. این رفتارها در صورتی که جرم‌انگاری شده باشند، در قالب «جرائم علیه عدالت قضایی» مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند (کوشا، ۱۳۸۱: ۱۸؛ یکرنگی، ۱۳۹۱: ۲۹). در واقع، جرائم علیه عدالت قضایی جرایمی هستند که فرایندهای دادرسی و یا اجرای عدالت را با چالش احتمالی یا اختلال بالقوه و یا بالفعل مواجه می‌سازند.

توهین به دادگاه، نافرمانی و سرپیچی از دستورات مقام قضایی و همچنین ایجاد هجمه علیه مرجع قضایی و یا در دیدگاهی موسع‌تر، مقامات و کنشگران فرایند عدالت کیفری که سبب ایجاد پیش‌دآوری یا کاهش اعتبار، قابلیت اعتماد و اقتدار دستگاه قضا یا بروز ریسک بالقوه در سطح خرد یا کلان علیه قدرت قضایی شوند، مصادیقی از جرائم علیه عدالت قضایی به حساب می‌آیند. این اقدامات ممکن است قاضی یا هیئت منصفه را در اجرای عادلانه (یا حداقل قانونی) وظایف خود ناکام بگذارد. امروزه، نظام‌های حقوقی مترقی در تلاش برای اتخاذ سازوکارهایی هستند تا مقام‌های قضایی در آرامش و فارغ از هرگونه حاشیه‌ای با حفظ منزلت و اقتدار خود، به ایفای وظیفه قضایی خود مبادرت ورزند. در این میان، رفتار اشخاصی که اقتدار نظام عدالت را به چالش می‌کشند یا در معرض آسیب احتمالی قرار می‌دهند، حتی اگر هرگز به نتیجه‌ای نرسد، بی‌درنگ با شمشیر آخته عدالت روبه‌رو خواهد شد.

از جمله رفتارهایی که ذیل جرائم علیه عدالت قضایی مطرح می‌شود، مقوله «اهانت به دادگاه یا نافرمانی از این نهاد قضایی»^۱ است که در نظام حقوقی انگلستان قدمتی بیش از هشت قرن دارد. اگرچه رگه‌هایی از شناسایی این گونه رفتارها به‌عنوان جرم در نظام حقوقی ایران به‌ویژه در انواع آیین‌های دادرسی دیده می‌شود، لیکن در نظام تقنینی داخلی به‌صورت ویژه هرگز در کانون توجه نبوده و صرفاً از رهگذر عموماً قوانین موضوعه به این پدیده پرداخته شده است. البته، تردیدی نیست که به‌مثابه تمام نظام‌های حقوقی دنیا، ضمانت‌های اجرایی و سازوکارهای مشخصی برای اجرای دستورات و آرای صادره از محاکم داخلی وجود دارد تا آرای قضایی بی‌اثر جلوه نکند، ولی عدم توجه به دستورات دادگاه، بی‌احترامی به دادگاه به حساب نمی‌آید.

به هر جهت، جرایمی که مصداق توهین کیفری هستند، مانند توهین به مقام رهبری و مقدسات مذهبی

در ایران، به خوبی شناسایی شده‌اند و با واکنش قدرت‌های قضایی مواجه خواهند شد، اما این قداست ظاهراً فقط معطوف به مقدسات دینی و برخی مقامات عالی است و دادگاه‌ها تنها در تئوری و ادبیات مرسوم مقدس هستند. با آنکه نظام حقوقی ایران به میزان قابل توجهی از قوانین نظام‌های حقوقی غربی (اثیمی، جانکی، ۱۴۰۳: ۱-۲۲) و به‌ویژه در مباحث کیفری از فقه کیفری اسلام نشئت گرفته است که محکمه و امر قضا را دارای جایگاهی رفیع می‌دانند، در خصوص صیانت و حفظ کرامت دادگاه و دستورات او که در واقع تنظیم و تنسيق‌کننده حیات اجتماعی شهروندان است، وقتی نهاده نشده است. مطالعه در ادبیات فقهی مبین این واقعیت است که بر رفتار قاضی تمرکز ویژه‌ای شده و با اینکه در منابع فقهی این اختیار برای قاضی وجود داشته که اهانت‌کننده به دادگاه را تعزیر نماید، رفتار اصحاب دعوا در محکمه کمتر مورد توجه فقها بوده است (توجهی و مسعودیان، ۱۳۹۲: ۱۸۳؛ نجارزادگان و مسعودیان، ۱۳۸۸: ۳۳).

مقاله حاضر در ابتدا چیستی و ماهیت اهانت به دادگاه یا نافرمانی از این نهاد قضایی را در نظام حقوقی انگلستان مورد مطالعه قرار می‌دهد و سپس تقسیمات موجود از جمله اهانت کیفری و حقوقی و اهانت با توجه به موقعیت مکانی و زمانی آن (اهانت در محضر دادگاه و خارج از آن) را در نظام حقوقی انگلستان تشریح و تحلیل می‌نماید. در گام بعدی، مهم‌ترین مصادیق اهانت به دادگاه مختصراً مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس، آنچه در نظام حقوق ایران در باب اهانت به دادگاه مطرح است، تحلیل می‌شود و ضعف‌های آن شناسایی و راه‌حل‌های پیشنهادی ارائه می‌گردد.

۲. چیستی اهانت به دادگاه یا نافرمانی از این نهاد قضایی در انگلستان

شناسایی رفتارهایی که اهانت به دادگاه یا نافرمانی از اوامر مرجع قضایی به حساب می‌آیند و تدوین واکنش‌های بازدارنده و یا تنبیهی در سیاست کیفری هر کشور، تضمینی بر اجرای عدالتی مقتدرانه، سریع و کافی است. از لحاظ تاریخی، قانون عرفی اهانت به دادگاه از قدرت پادشاه به‌عنوان منبع عدالت برای برخورد با سوءاستفاده‌ها و توهین به صلح پادشاه و دادگاه‌های پادشاهی الهام می‌گیرد (Hammond KNZM, et al. 2014). در گذشته، اهانت به دادگاه به معنای اهانت به شخص پادشاه و صلح فراگیر او و یا نافرمانی از اوامر شاه محسوب می‌شد. متعاقباً این قدرت از سوی دادگاه‌های عالی کامن‌لا به‌عنوان بخشی از صلاحیت ذاتی آنها به رسمیت شناخته شد و در گذر زمان تکامل یافت. بر همین اساس، اهانت به دادگاه جرمی مطلق، عمومی و غیرقابل گذشت است.^۱ این دیدگاه امروزه نیز در نظام حقوقی انگلستان جاری است و اهمیت آن به حدی است که هرگاه دادستان کل به هر طریق قانونی از وقوع چنین جرمی آگاه گردد، وظیفه پیگیری موضوع و آغاز تعقیب را خواهد داشت. افزون بر آن، چنانچه این امر مستقیماً در دادگاه‌های عالی یا مادون حادث شود،

۱. از آنجا که این جرم مشخصاً جرمی علیه پادشاه بوده، استثنائاً (به صورتی نمادین) از سوی پادشاه قابل بخشش است.

تشخیص اهانت به دادگاه برعهده قاضی خواهد بود و همان دادگاه در اسرع وقت به موضوع رسیدگی کرده، مجازات تعیین خواهد نمود؛ مگر آنکه اهانت مستقیماً متوجه قاضی بوده یا اهانت خارج از دادگاه رخ دهد و یا رسیدگی در صلاحیت ذاتی آن دادگاه نباشد. در این موارد، موضوع به دیگر مراجع ذیصلاح برای رسیدگی ارجاع خواهد شد (New Zealand Law Commission, 2017).

به هر روی، رفتارهای توهین‌آمیز و یا رفتارهایی که نافرمانی از دادگاه تفسیر می‌شوند، در طی قرن‌ها مورد توجه دادگاه‌های عرفی انگلستان بوده، مصادیق زیادی را دربر می‌گیرد. اگرچه مقوله اهانت به دادگاه در نظام عرفی انگلستان موضوعی کاملاً پذیرفته شده با رویه‌های نسبتاً مشخصی بود، اما موضوع اهانت به دادگاه در نظام حقوقی انگلستان به اندازه‌ای برای سیاست‌گذاران جنایی اهمیت داشت که در سال ۱۹۷۱ قانون اهانت به دادگاه^۱ به تصویب پارلمان رسید. البته در سال ۱۹۸۱، تعاریف و جنبه‌های جدیدی به آن افزوده شد و قسمت‌هایی از آن مورد بازبینی و بازنویسی قرار گرفت. بنابراین، در حال حاضر در بحث جرم اهانت به دادگاه با ترکیبی از قوانین تقنینی و عرفی مواجه هستیم؛ بدین‌سان، رویه رسیدگی و تشریفات تعقیب این جرم با جرایم و قوانین عرفی دیگر تفاوت ملموسی دارد و تابع احکام منحصر به فردی است.

به‌طور کلی، هر رفتاری اعم از گفتار یا ایراد سخنرانی یا انتشار مطالب و انجام حرکات توهین‌آمیز یا ترک فعل، یا مداخله‌ای که باعث ایجاد مانع در اجرای عدالت می‌شود و یا خطری جدی در مسیر اجرای عدالت ایجاد کند و یا موجب پیش‌داوری گردد و یا اقتدار دادگاه و قاضی را به‌سخره گیرد و به وی توهین کند یا فرامین دادگاه را سبک جلوه دهد، مصداقی از اهانت به دادگاه یا نافرمانی محسوب می‌شود (مهر، ۱۳۹۲: ۱۱۵). همچنین می‌توان این رویکرد را به‌معنای اخلال در نظم دادگاه دانست (مهر، ۱۳۹۸: ۲۱۸). در تعریفی دیگر که از سوی قضات دادگاه عالی^۲ ارائه شد، اهانت به دادگاه، رفتاری است که نشان‌دهنده سربیزی یا بی‌احترامی عمدی نسبت به دادگاه است یا عمداً اقتدار دادگاه یا برتری قانون را به چالش می‌کشد و یا تزییع می‌کند^۳. بنابراین، رفتارهایی که با توجه به احتمالات، فرایند رسیدگی را با اخلالی جدی مواجه‌ن سازد یا به‌صراحت توهین تلقی نشود و فاقد سوءنیت عام باشد، اهانت به دادگاه و دستگاه قضا نیست.

قانون‌گذار در مواد ۱ و ۲ قانون اهانت به دادگاه انگلستان مصوب ۱۹۸۱، در باب عنصر معنوی جرم، وجود سوءنیت خاص را برای این‌گونه رفتارها ضروری ندانست. در ماده یک به‌صراحت جرم اهانت به

1. The Contempt of Courts Act
2. High Court of Justice (Divisional Court)
3. Robertson and Gough [2007] HCJAC 63.

دادگاه یک جرم با مسئولیت مطلق^۱ شناسایی شده است؛ به این معنا که تحقق آن نیاز به عنصر روانی ندارد. در مقابل رویه عرفی حاکم تا دهه ۷۰ میلادی، در بند ۲ از ماده ۲ این قانون وجود ریسک قابل توجه ناشی از عمل مرتکب، معیاری برای تشخیص ارتکاب این جرم معرفی شده است. مضافاً اینکه برای تقویت آزادی‌های رسانه، منافع عمومی و امکان اظهارنظرهای تخصصی خارج از دادگاه، قانون‌گذار در ماده ۵ قانون مصوب ۱۹۸۱ ریسک‌های اتفاقی ایجادشده ناشی از رفتارهای باحسن‌نیت را از شمول این قانون استثنا نموده است. این محدودیت مقررشده در قانون، دست شهروندان و به‌ویژه رسانه‌ها را برای اظهار نظر باحسن‌نیت^۲ تا حدود زیادی باز نموده و آزادی عمل بیشتری برای آحاد جامعه به‌همراه داشته است. البته بنابر اصلاحات انجام‌شده در سال ۱۹۹۷، دادگاه این اختیار را دارد تا به‌منظور جلوگیری از هر نوع پیش‌داوری یا ایجاد انحراف در فرایند تعقیب و رسیدگی، اظهار نظر در باب تمام یا بخشی از موضوع مورد بررسی در دادگاه را از سوی رسانه‌ها و جراید تا زمان مشخصی - که معمولاً تا زمان صدور رأی است - به‌طور کلی ممنوع یا موقتاً متوقف نماید.

شایان ذکر است، مطابق ماده ۳ این قانون در موارد اهانت به دادگاه، فرض بر وجود سوءنیت عام است و بار اثبات عدم وجود آن نیز برعهده متهم قرار داده شده است. دادگاه با توجه به اوضاع، احوال و همچنین دفاعیات متهم، وجود یا نبود سوءنیت عام را بررسی می‌کند. از این رو، اگر مرتکب سوءنیت عام نداشته باشد؛ به این معنا که مرتکب به صورت معقول آگاه نبوده و یا به احتمال قوی نسبت به در جریان بودن رسیدگی بی‌اطلاع بوده باشد و البته بتواند این موضوع را برای دادگاه اثبات کند، از لحاظ کیفری مقصر شناخته نخواهد شد.

۳. تقسیمات تقنینی اهانت به دادگاه در نظام حقوقی انگلیسی

جرم اهانت به دادگاه از جرایم قابل کیفرخواست^۳ محسوب می‌شود که بیانگر قبح بالای این جرم در نظام کیفری انگلستان است. اگرچه بررسی جرایم قابل کیفرخواست از سوی یک قاضی و هیئت‌منصفه صورت می‌پذیرد، لیکن جرم اهانت به دادگاه تنها از جانب یک قاضی و بدون حضور هیئت‌منصفه مورد بررسی قرار می‌گیرد. ولی چنانچه اهانت به دادگاه در محضر هیئت‌منصفه باشد، رسیدگی به آن اعم از صدور حکم محکومیت و تعیین مجازات در حضور هیئت منصفه، از سوی شخص قاضی بلامانع است. این پرسش که «چه مرجعی صالح به رسیدگی به جرم اهانت به دادگاه است»، پاسخ واحدی ندارد، و آن را باید در نوع، کیفیت زمانی و مکانی این جرم جستجو نمود.

1. Strict Liability
2. Good Faith
3. Indicatable Offence

در نظام حقوقی انگلستان و با توجه به قانون اهانت به دادگاه (۱۹۷۱ و ۱۹۸۱)، برحسب رفتاری که صورت می‌گیرد و ارزشی که مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی این نظام حقوقی بوده است، اهانت به دادگاه به دو دسته اهانت مستقیم و غیرمستقیم و اهانت مدنی و کیفری تقسیم می‌شود که در ادامه به آن می‌پردازیم.

۳.۱. اهانت مستقیم و غیرمستقیم

توهین مستقیم و غیرمستقیم که قرابت بیشتری - ولی نه کاملاً دقیق با وجود تشابهات بسیار - با حقوق ایران دارد، عبارت است از آنکه، اهانت به صورت مستقیم در دادگاه و در حضور اعضای آن صورت گیرد^۱ و یا به صورت غیرمستقیم و در خارج از دادگاه ارتکاب یافته باشد. این تقسیم‌بندی در نظام حقوقی انگلستان از آن جهت که نوع واکنش کیفری و مرجع رسیدگی‌کننده را مشخص می‌کند، واجد اهمیت است.

اهانت مستقیم ممکن است از جانب حاضران جلسه رسیدگی، شاهدان، طرفین دعوا و حتی هیئت‌منصفه ارتکاب یابد. نوع دادگاه اعم از اینکه یکی از دادگاه‌های عالی مانند دادگاه جزا یا تجدیدنظر یا دادگاه مادون مانند دادگاه صلح باشد، در مشخص نمودن شیوه رسیدگی و ضوابط حاکم بر آن مؤثر است. از آنجا که اقدام قاطعانه و سریع دادگاه در زمان اهانت آشکار و صریح به دادگاه، ارتباط مستقیم با اقتدار نظام عدالت کیفری دارد، به موجب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۲۰۲۰ انگلستان که در قوانین پیشین نیز مستتر است، دادگاه‌ها این صلاحیت را دارند که بلافاصله در همان لحظه توهین یا نافرمانی و در همان روز بنابه صلاحدید خود متناسب با رفتار ارتکاب‌یافته، اجازه عذرخواهی به توهین‌کننده و اصلاح رفتار خود را بدهند و یا به موضوع اهانت بی‌درنگ رسیدگی کنند. البته، دادگاه جزا و به‌طور کلی دادگاه‌های عالی - برخلاف دادگاه‌های صلح^۲ که موضوع اهانت در همان جلسه باید مورد بررسی قرار گیرد - این اختیار را دارند که رسیدگی به موضوع اهانت را به نزدیک‌ترین جلسه بعدی موکول نمایند. لازم به ذکر است که اقدام فوری دادگاه‌های جزایی زمانی ضرورت می‌یابد که به تشخیص دادگاه، توهین صریح و بدون شک‌وشبهه‌ای اتفاق افتاده، اقدام فوری ضرورت داشته باشد^۳. از طرفی، دادستان (یا وکلا و نمایندگان او) نیز باید برای بررسی و ارائه دلایل و استدلال‌های خود در همان جلسه یا جلسه بعدی آمادگی داشته باشد؛ در غیر این صورت موضوع باید به دادستانی کل^۴ گزارش داده شود تا در دادگاه پادشاه^۵ مورد پیگرد قرار گیرد. به‌نظر می‌آید امروزه اکثر دادگاه‌ها انگلستان برای پرهیز از

1. Contempt in the face of the court

2. Rule 48.5 CrimPR.

3. Magistrate Court

4. Balogh v St. Albans Crown Court [1975] 1 QB 73.

5. Attorney General

۶ دادگاه پادشاه (King's Bench Division) که تا پیش از فوت ملکه الیزابت به «دادگاه ملکه» شناخته می‌شد، یکی از

بروکراسی و شروع دادرسی مجزا و با هدف کاهش هزینه‌های دادرسی و با توجه به رویه حاکم، خود مستقیماً به موضوع ورود می‌کنند و پرونده را کمتر به دادستانی کل ارجاع می‌دهند.

لازم به ذکر است که رسیدگی به جرم اهانت به دادگاه، در دادگاه‌های صلح با آنچه در دادگاه جزا یا سایر دادگاه‌های عالی وجود دارد، متفاوت است. نظر به ماده ۱۲ قانون اهانت به دادگاه (۱۹۸۱)، دادگاه صلح تنها در مواردی صاحب صلاحیت رسیدگی است که شخص در دادگاه و مستقیماً به قضات، هیئت منصفه، شهود، وکلا و افرادی که با دادگاه و فرایند رسیدگی در ارتباط هستند توهین کند یا فرایند رسیدگی را مخدوش نماید. در این موارد، دادگاه صلح می‌تواند تا حداکثر یک ماه زندان یا جزای نقدی تا حداکثر ۲۵۰۰ پوند برای مرتکب در نظر بگیرد؛ این درحالی است که در دادگاه‌های عالی امکان اعمال مجازات تا دو سال هم وجود دارد.

در بسیاری از موارد، اهانت مستقیماً در دادگاه رخ نمی‌دهد، مانند آنکه رسانه‌ها و مردم عادی اقدام به ایجاد هیاهو برای پیش‌داوری و به انحراف کشیدن افکار عمومی و ذهن دادگاه و هیئت منصفه نمایند یا بخواهند بر کنشگران عدالت کیفری فشار غیرقانونی وارد آورند. در برخی موارد، اهانت به دادگاه یا نافرمانی از آن در مرحله پسادادرسی و بعد از صدور رأی است. در این موارد طبیعتاً مرجع رسیدگی همان دادگاه سابق نیست. وفق ماده ۷ قانون اهانت به دادگاه (۱۹۸۱)، شروع تعقیب تنها با اجازه دادستان کل یا درخواست دادگاه صالح است. بر همین اساس، سایر دادستان‌ها در صورتی که تشخیص دهند موضوعی در شمول جرم اهانت به دادگاه قرار می‌گیرد باید نظر موافق دادستان کل را جلب نمایند. با توجه به شدید بودن این جرم در مواردی که اهانت یا نافرمانی در خارج از دادگاه رخ دهد، رسیدگی پس از جلب نظر موافق دادستان کل، به یکی از دادگاه‌های عالی^۱ محول خواهد شد.^۲

۲.۳. اهانت مدنی و اهانت کیفری

در تقسیم‌بندی دیگری که در قانون اهانت به دادگاه (۱۹۷۱) آمده است، اهانت به دادگاه به دو دسته اهانت کیفری و اهانت مدنی تقسیم می‌شود که هر مورد واکنش‌های متفاوتی به همراه خواهد داشت. در

بخش‌های دادگاه عالی عدالت است که صلاحیت اصلی آن محاکمه دعوی حقوقی بر اساس قرارداد و شبه جرم است. همچنین صلاحیت رسیدگی استینافی در خصوص تجدیدنظرخواهی ارجاعی از دادگاه صلح و دادگاه جزایی و اعمال صلاحیت نظارتی بر کلیه دادگاه‌های مادون را نیز دارد.

۱. مطابق بند ۴ ماده ۱۴ قانون اهانت به دادگاه مصوب ۱۹۸۱، دادگاه بخش (County Court) استثنائاً در موضوع جرم اهانت به دادگاه در حکم دادگاه عالی به حساب می‌آید و اختیارات آن را دارد.

۲. رویه حاکم در دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه خانواده با سایر دادگاه‌ها متفاوت است که در محدوده مورد بررسی این مقاله نیست.

توهین کیفری، اقتدار و جایگاه دستگاه قضایی یا روند اجرای عدالت مورد حمله قرار گرفته و یا با احتمال خدشه جدی مواجه است.^۱ مطابق ماده ۲ قانون اهان‌ت به دادگاه (۱۹۷۱)، «اهان‌ت کیفری» جدای از آنکه نتیجه‌ای حاصل شود یا نشود، به معنای «انتشار (اعم از گفتاری یا نوشتاری، یا نشانه‌ها، یا نمایش‌های تصویری یا غیر آن) هر موضوع یا انجام هر عمل به هر نحوی است که ۱- دادگاه را با خطر بدنامی (رسوایی) روبه‌رو نماید^۲ و یا به نحوی تلاش کند اختیارات و توان دادگاه را متزلزل سازد؛ ۲- به صورتی موجب پیش‌داوری گردد یا مداخله در رسیدگی قضایی (مرحله دادرسی) به حساب آید و یا حداقل این خطر را ایجاد نماید؛ ۳- تلاش یا تمایل برای مداخله یا ایجاد مانع در اجرای عدالت تلقی گردد.

برای شناسایی یک رفتار به‌عنوان اهان‌ت کیفری، باید چهار رکن اساسی انتشار هر موضوع، کاهش یا تضعیف اختیارات دادگاه، مداخله در روند عادی قضایی و مداخله در اجرای عدالت در آن موجود باشد.^۳ پاسخ ندادن به سؤالات در دادگاه، انواع برخوردهای فیزیکی در دادگاه، تهدید شهود، فحاشی، عدم رعایت منزلت دادگاه، تحقیق و تفحص اعضای هیئت‌منصفه به صورت مستقل، تصمیم‌گیری بر اساس ادله‌ای که از جانب دادگاه به هیئت‌منصفه ارائه نشده، متزلزل کردن اعتماد عمومی به اجرای عدالت و به صورت کلی، رفتارهایی که مانع از اجرای عدالت می‌شوند، از مصادیق اهان‌ت کیفری به‌شمار می‌آیند. همان‌گونه که مشخص است، اهان‌ت کیفری ممکن است قبل، حین یا بعد از فرایندهای رسیدگی در انواع دادگاه‌های عالی و مادون اعم از کیفری و مدنی رخ دهد. توهین کیفری از جمله جرایم غیرقابل گذشت است که بدون شک و شبهه معقول و منطقی باید به اثبات برسد و هیچ‌کس، حتی مقامات عالی از آن مصون نیستند. اهان‌ت کیفری با مجازات‌هایی نظیر حبس و جزای نقدی همراه است و در مواردی که خارج از دادگاه رخ دهد، دادگاه‌هایی با صلاحیت ذاتی جزایی به موضوع رسیدگی می‌کنند.

در توهین کیفری و در مواقعی که اهان‌ت در محضر دادگاه اتفاق می‌افتد، ممکن است دادگاه بی‌درنگ واکنش نشان دهد. لیکن، اگر موضوع اهان‌ت بتواند مصداق سبق لسان به حساب آید یا توهین به صورت جزئی و بدون قصد جدی بوده باشد و یا اجرای عدالت را با ریسکی اساسی مواجه نکند، به تشخیص دادگاه، به متهم فرصت اصلاح و پوزش داده خواهد شد؛ در غیر این صورت، دادگاه بدون هیچ مسامحه‌ای و در راستای حفاظت بی‌چون‌وچرا از اجرای عدالت، پس از تفهیم اتهام، به متهم اجازه می‌دهد تا با مشاوران یا وکلای خود برای ارائه پاسخ شور کند و در همان جلسه (یا نزدیک‌ترین جلسه بعدی) از خود دفاع نماید.

بهموجب ماده ۲ قانون اهان‌ت به دادگاه (۱۹۷۱)، اهان‌ت مدنی به معنای نافرمانی عمدی از هر رأی، حکم، دستور، قرار یا نقض عمدی تعهدی است که به دادگاه داده شده است. اهان‌ت مدنی که قرابت

1. Director of the Serious Fraud Office v B, [2014], A.C. 1246.

۲. بر اساس اصلاحات مصوب ۲۰۱۳، بدنام کردن دادگاه بدون داشتن سوء‌نیت، مصداق اهان‌ت به دادگاه نیست.

3. Robertson and Gough [2007] HCJAC 63.

بیشتری با واژه نافرمانی دارد، از نظر شدت، جایگاه پایین‌تری نسبت به اهانت‌های کیفری دارد و ضمانت اجرای آن محدود به جبران خسارت یا الزام به انجام تعهد است و واکنشی کیفری به‌همراه ندارد؛ مگر در مواردی که بتواند مصداق اهانت کیفری باشد. برخلاف توهین کیفری که ایجاد ریسک جدی ملاک تشخیص جرم است، عنصر معنوی در توهین مدنی جایگاه ویژه‌ای دارد. اهانت مدنی، انجام یک فعل یا ترک فعل عمدی به‌منظور سرپیچی از فرامین دادگاه یا عدم انتفاع شخصی محکوم‌له تلقی می‌شود. رفتارهایی نظیر عدم اطلاع عمدی از دستور یا رأی دادگاه می‌تواند از مصادیق اهانت مدنی به‌حساب آید. اهانت به دادگاه در قالب توهین مدنی و توهین کیفری نیز آن‌گونه که در انگلستان وجود دارد، در نظام حقوقی ایران فاقد موضوعیت است؛ زیرا اگر هدف مرتکب سازمان‌دهی اقدامات برای انحراف روند عدالت (توهین کیفری) باشد، چنانچه مجموعه اقدامات انجام‌شده عنوان مجرمانه خاص داشته باشد، در این قالب مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت؛ در غیر این صورت هیچ‌گونه تصمیم قضایی یا حتی غیرقضایی هنجارمندی در حقوق ایران نمی‌توان نسبت به این رفتارها اتخاذ نمود.

همچنین اگر هدف مرتکب عدم رعایت دستورات دادگاه یا عدم اجرای تعهدات خود نسبت به دادگاه (توهین مدنی) باشد، اگر در حقوق ایران در خصوص آن، تدبیر یا ضمانت اجرای خاصی مقرر شده باشد، دادگاهی که به صدور آن قرار مبادرت ورزیده است، نسبت به اعمال ضمانت اجرا یا تشدید قرار مربوطه مبادرت می‌نماید؛ مانند آنکه چنانچه قاضی دادگاه در پرتو ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری در قبال متهم از گذر معامله اتهام^۱ قرار تعلیق تعقیب به‌عنوان یک جایگزین تعقیب صادر کرده باشد و متهم از این قرار تخطی کرده، از اجرای دستور دادگاه سر باز زند، در تبصره ۱ این ماده ضمانت اجرای خاصی مقرر شده است که موجب الغای قرار تعلیق تعقیب و اعمال مقررات تعدد جرم خواهد شد.

۴. مصادیق اهانت به دادگاه در نظام حقوقی انگلیس

سیستم کامن‌لا در نظام خود مملو از مصادیق و پرونده‌های اهانت به دادگاه است و در واقع این امکان وجود ندارد که مصادیق اهانت به دادگاه در چند مورد خاص احصا شود. از سوی دیگر، دادگاه‌ها این اختیار را دارند که طیف وسیعی از رفتارها را به‌عنوان اشکال مختلف اهانت یا نافرمانی از دادگاه تفسیر کنند، با وجود این، پس از ظهور قوانین تقنینی به‌ویژه در سال‌های ۱۹۷۱ و ۱۹۸۱ در نظام حقوقی انگلیس، برخی از موارد به صورت برجسته در قوانین موضوعه آن کشور آورده شده و تعداد دیگری از مصادیق اهانت نیز در ادبیات حقوقی محققان انگلیسی به‌واسطه کثرت پرونده‌ها نمود بیشتری داشته است، که در ادامه به مهم‌ترین آنها پرداخته می‌شود.

۱.۴. اهانت در محضر دادگاه

اهانت در محضر دادگاه^۱ (در فضای فیزیکی دادگاه)^۲ با آنچه در نظام حقوقی ایران تحت عنوان جرم توهین ساده یا مشدده شناخته می‌شود، رابطه عموم و خصوص مطلق دارد و دایره گسترده‌تری از رفتارها را شامل می‌شود. نکته حائز اهمیت در این بحث آن است که اهانت در محضر دادگاه می‌تواند به‌عنوان تعدد معنوی نیز تفسیر گردد؛ مانند آنکه شخصی جسمی را به سمت یکی از حضار پرتاب کند و از این رفتار جنایتی حاصل شود. لذا، رفتار اهانت‌آمیز در دادگاه در مقایسه با رفتار مشابه در خارج از فضای دادگاه پیچیدگی بیشتری دارد و چه بسا با مجازات سنگین‌تری همراه باشد.

اهانت در محضر دادگاه در شکل فعل یا ترک فعل، اعم از ایجاد هیاهو، فحاشی، نفرین کردن، انواع برخورد های فیزیکی، عکاسی، فیلم‌برداری، ضبط صوتی جلسه، نمایش تصاویر نامتعارف مانند نشان‌های نژادپرستانه، قومی، دینی و جنسی، عدم حضور در جایگاه و یا رخوت و سستی در پاسخ به خواسته یا سؤالات دادگاه و امثال آن ظهور می‌یابد و به‌طور کلی رفتاری است که بی‌احترامی به دادگاه بوده، به‌منزله مداخله یا ممانعت یا تمایل به مداخله یا ممانعت از اجرای عدالت تفسیر گردد (Crone, 2021). روشن است که توهین در پیشگاه دادگاه به‌نوعی نظم دادگاه را متزلزل می‌نماید و مستلزم وجود تمهیدات ویژه و اختیارات خاص برای قاضی در راستای کنترل دادگاه، محافظت از شهود، هیئت‌منصفه و سایر حاضران دادگاه و همچنین ادامه فرایند رسیدگی است. این اختیار نباید به‌گونه‌ای اعمال شود که در تضاد با حقوق متهم یا طرفین دعوا باشد. بر همین اساس، بیان شده است که رفتار قاضی در این شرایط باید منعطف و متناسب با جو و شرایط دادگاه باشد.

تعبیر مختلفی از فضای فیزیکی دادگاه یا اتاق دادگاه^۳ وجود دارد و عده‌ای آن را محیطی بزرگ‌تر تفسیر کرده‌اند و حتی وابسته به زمان رسیدگی و در محیط بیرونی دادگاه دانسته‌اند. در واقع، محضر دادگاه به اتاق و راهروهای دادگاه محدود نیست. بر همین اساس، اگر عده‌ای با برگزاری تجمعی در مقابل دادگاه و یا در خیابان‌های اطراف آن با استفاده از بلندگو و یا امثال آن یا حتی با پخش بویی مسمم‌کننده در راهروهای دادگاه در جلسه رسیدگی اختلال ایجاد نمایند، قابلیت محاکمه در همان دادگاه و جلسه را دارند (Cram, et al. 2010: 311).

۲.۴. اهانت از جانب هیئت‌منصفه

حضور هیئت‌منصفه و مشارکت مستقیم اعضای جامعه در فرایند رسیدگی این اطمینان را حاصل می‌کند که یک متهم طبق قانون از یک محاکمه عادلانه برخوردار است. از طرفی دیگر، حضور هیئت‌منصفه‌ای مستقل

1. Contempt in the Face of the Court

2. Registrar, Court of Appeal v Collins; Collins v Registrar, Court of Appeal [1982] 1 NSWLR 682, 708.

3. Court Room

در رسیدگی به جرایم سنگین به نحوی منعکس کننده مشروعیت تصمیمات قضایی است. لذا این نهاد، اگرچه متشکل از افراد عادی و معمولاً بدون معلومات آکادمیک حقوقی است، برای نمایش مشروعیت و بری نمودن نظام قضایی از استبداد، فوق العاده حیاتی است (Burd & Horan, 2012: 76).

باید اذعان نمود که اهانت به دادگاه از سوی هیئت منصفه حوزه مجزایی از قانون اهانت به دادگاه نیست. با این حال، در نظام کامن لا، اهانت به دادگاه از سوی هیئت منصفه، هر رفتاری از سوی اعضای هیئت منصفه است که در اجرای صحیح عدالت ریسک قابل توجه یا اختلال ایجاد کند؛ مانند آنکه یکی از اعضای هیئت منصفه بدون رعایت تشریفات و به صورت خصوصی (به صورت انفرادی و نه توصیه جمعی) بخواهد بر نظر قاضی در باب کیفرگزینی اثر بگذارد. البته صرف مکاتبه خصوصی با دادگاه و بحث در مورد پرونده، اهانت به دادگاه تلقی نمی شود.^۱ مهم ترین مصادیق اهانت از سوی هیئت منصفه عبارت اند از:

- انجام تحقیقات مستقل و غیرمجاز ولو با نتایج صحیح از سوی احدی از اعضای هیئت منصفه (ماده ۲۰ قانون هیئت منصفه مصوب ۱۹۷۴)،
- استفاده از دلایلی^۲ به جز آنچه از سوی دادگاه به هیئت منصفه ارائه شده، ولو آنکه بر تصمیم هیئت منصفه مؤثر نباشد.
- عدم حفظ محرمانگی در باب اطلاعاتی که در اختیارشان قرار گرفته یا افشای مذاکرات هیئت منصفه و بحث در مورد اتهام و متهم در فضای عمومی یا مجازی یا با طرفین و وکلای آنان، چه در زمان رسیدگی و چه پس از خاتمه آن.^۳

البته، اهانت از سوی هیئت منصفه می تواند شامل سایر اشکال رفتار نادرست مرتبط با محاکمه نیز باشد؛ مانند امتناع از پاسخ به سؤالات یا دادن سوگند یا تأییدات و اظهارات خودسرانه. بنابراین، در برخی شرایط رفتار هیئت منصفه می تواند مصداق اهانت در محضر دادگاه و یا نقض یک یا چند مورد از وظایف

1. In the matter of IH, a juror [2017] VCC 2042 [25].

۲. در برخی موارد ادله یا اماراتی از سوی رسانه یا در فضای مجازی یا حتی محافل خصوصی مطرح می شود که به هر علتی در دادگاه مورد بررسی قرار نمی گیرد. لیکن، خروج از تشریفات شکلی و آمره از جانب هیئت منصفه مجاز نبوده، از این رو، فقط ادله مطرح و بررسی شده در دادگاه قابل استناد است. البته این به آن معنا نیست که هریک از اعضای هیئت منصفه اطلاعاتی را که به صورت اتفاقی یا به هر نحو دیگری به دست او رسیده است به عنوان وظیفه شهروندی در اختیار مقامات قضایی قرار ندهد. در این حالت دادگاه با بررسی موضوع و به صلاحدید خود، اطلاعات لازم را در اختیار هیئت منصفه قرار می دهد.

3. Attorney General v Davey and Attorney General v Beard [2013] EWHC 2317

در این پرونده یکی از اعضای هیئت منصفه برای درج مطلبی در صفحه شخصی فیس بوک خود در خصوص دادگاهی که در آن به عنوان هیئت منصفه حضور داشت (هرچند مبتنی بر حکم مجازات صادر شده و صحیح بود)، مجرم شناخته شد.

آنان بر اساس قانون هیئت منصفه^۱ مصوب ۲۰۰۰ باشد. وفق اصلاحیه ماده ۷۸ قانون هیئت منصفه، هیئت منصفه یا یکی از اعضای آن (مگر در موارد مناسب)^۲ نباید به منظور کسب اطلاعات در مورد یکی از طرفین یا هر موضوع مرتبط با محاکمه، تحقیق کند. همچنین بر اساس همین ماده: ۱- اعضای هیئت منصفه نمی‌توانند با شخص دیگری مشورت کنند، ۲- هرگونه تحقیق به هر وسیله‌ای، مانند استفاده از اینترنت برای جستجو در پایگاه‌های داده برای کسب اطلاعات ممنوع است. ۳- مشاهده یا بازرسی مکان یا شیئی که مربوط به محاکمه باشد (مگر به صلاحدید دادگاه) ممنوع است. ۴- انجام هرگونه آزمایشی یا راستی‌آزمایی فقط از طریق دادگاه ممکن است. ۵- صرف درخواست از شخص دیگری برای پرس‌وجو یا تحقیق، جرم شمرده می‌شود.

۳.۴. اهانت از طریق نافرمانی از دستورات دادگاه

اجرای فرامین دادگاه در برگیرنده مکانیزم‌های مختلفی است. یکی از این شیوه‌ها طرح ادعای اهانت از طریق نافرمانی از دادگاه یا اصطلاحاً «سرسری گرفته شدن دستور دادگاه» است (Livingston, 2000). (136) از این رهگذر، چنانچه تعمدی بودن رفتار مرتکب به رغم داشتن استطاعت اجابت خواسته دادگاه احراز گردد، امکان درنظرگرفتن مجازات‌های کیفری نیز وجود دارد. لیکن، استفاده از این شیوه در صورت وجود سایر شیوه‌های سهل‌الوصول مدنی دیگر توصیه نشده است و اصولاً به‌عنوان مسیر ثانویه و در صورت بن‌بست بودن سایر شیوه‌ها، مطرح می‌شود^۳؛ لذا دادگاه در صورتی در چنین ادعایی ورود پیدا خواهد کرد که سایر مسیرهای متعارف اجرای دستور، طی شده و به نتیجه نرسیده باشد.

عدم حضور در دادگاه، انجام ندادن تعهدات مالی به دادگاه یا طرف دعوا، خودداری از انتقال سند، حضور یا عدم حضور در محلی خاص، تماس با افرادی که حق ارتباط با آنان از جانب دادگاه محدود شده باشد، انتشار اطلاعات حفاظت‌شده (مانند اطلاعات علیه عفت و شرافت عمومی)، عدم انجام خدمات اجتماعی که به دادگاه تعهد داده شده است و بسیاری از فعل‌ها یا ترک فعل‌های دیگر، اعم از سرپیچی از اجرای دستورات یا عدم تمکین در برابر رأی از مصادیق نافرمانی از دادگاه به‌حساب می‌آیند. لازم به ذکر است که نافرمانی محدود به دستورات و اوامر دادگاه نیست و ممکن است شخصی بدون وجود دستوری خاص، قول یا تعهدی به دادگاه داده باشد، مانند آنکه بگوید در جلسه بعدی رسیدگی اصل سندی خاص را ارائه می‌دهد یا خدمتی داوطلبانه به بزه‌دیده ارائه خواهد داد تا آلام او التیام یابد و از انجام این تعهدات استتکاف کند.

1. Juries Act 2000 (Vic)

۲. منظور از موارد مناسب در این ماده مشخص نیست و باید به رویه عرفی حاکم مراجعه نمود.

3. Morgan v State of Victoria (2008) 22 VR 237, 269 [145]

برای اثبات اهانت به دادگاه از طریق نافرمانی، پنج عنصر زیر باید از سوی مدعی اثبات گردد^۱:

- دستوری از جانب دادگاه صادر یا تعهدی به دادگاه داده شده باشد.
- دستور، واضح، بدون ابهام و با قابلیت اجرا بوده باشد.
- ابلاغ دستور به صورت صحیح انجام شده و به اطلاع شخص رسیده باشد (در مقام دفاع مدعی می‌تواند به معذوریت خود استناد کند و آن را اثبات نماید).
- متهم از شرایط دستور (مانند مهلت دستور و سایر جزئیات آن) مطلع بوده باشد.
- شرایط دستور نقض شده باشد.

۴.۴. اهانت از طریق انتشار

در برخی موارد، اهانت در قالب انتشار مطلب^۲ یا اظهار امری در رسانه، جرایم، کتب به‌موجب تبلیغات و امثال آن است که «تمایل واقعی و قطعی»^۳ به‌منظور پیش‌داوری یا آشفته کردن فرایند رسیدگی‌های قضایی را دارد که در ادبیات غرب با عنوان اهانت شبه قضایی^۴ نیز شناخته می‌شود. در این نوع اهانت، هیچ الزامی برای اثبات تمایل واقعی متهم برای دادگاه وجود ندارد و وجود قصد به صورت پیش‌فرض در نظر گرفته می‌شود و بار اثبات عدمی آن به‌عهده متهم است^۵. البته دادگاه باید با توجه به اوضاع و احوال زمانی و مکانی انتشار و ارائه آن به عموم، دفاعیات متهم را مورد واکاوی قرار دهد. در نظام کامن‌لا و بر اساس رویه‌ای که به صورت ویژه‌ای در پرونده موسوم به *Nalidomy*^۶ شهرت یافت^۷، دادگاه‌ها رفتارهایی را اهانت شبه‌قضایی تلقی می‌کند که:

- در مقام قضاوت و پیش‌داوری و در فرایند رسیدگی، متهمی را مجرم یا بی‌گناه معرفی کند.
- جزئیات محکومیت‌های قبلی و یا اعترافات متهم را نشر دهد.
- در مورد شخصیت متهم اظهارات تأییدنشده یا محرمانه‌ای را انتشار دهد.
- در مورد کیفیت و جزئیات پرونده نظر قضایی بدهد.

1. County Court Civil Procedure Rules 2018 (Vic) r 66.10; Supreme Court (General Civil Procedure) Rules 2015 (Vic) r 66.10.

2. Contempt by Publication

3. Real and Definite Tendency

4. Sub Judge Contempt

5. Hinch v A-G (Vic) (1987) 164 CLR 15, 46.

6. Nalidomy

7. The Sunday Times v The United Kingdom no 6538/74, 26/04/1979, ECHR.

در این پرونده، ساندی تایمز در حمایت از قربانیان، مقاله‌ای را با عنوان «نالیدومید» منتشر کرد. دارویی که توسط زنان باردار مصرف، و ظاهراً باعث ایجاد نقص‌های مادرزادی در نوزادان شده بود. ساندی تایمز از قوانین انگلیس به دلیل ناتوانی در رسیدگی به این موضوع شدیداً انتقاد کرد و از انتشار مقاله‌ای تکمیلی خبر داد. دادگاه ملکه دستوری صادر کرد تا از انتشار مقاله وعده داده‌شده جلوگیری کند. این دادگاه بیان کرد که انتشار آن به‌منزله اهانت به دادگاه است.

با توجه به این معیارها، مشخص می‌شود که هر نوع سوگیری و پیش‌داوری که احتمال انحراف در افکار عمومی و فرایند اجرای عدالت را ایجاد کند، به‌عنوان دخالت در امر قضایی و اهانت تفسیر خواهد شد. قطعاً در دنیای دیجیتال امروز که هر مطلبی در فضای مجازی بدون مشخص شدن عامل انتشار قابل دسترسی است، چالش‌های جدید و پیچیده‌ای برای اجرای عدالت ایجاد می‌شود که لاینحل می‌ماند (Com, 2013: 35).

شق دیگری از اهانت از طریق انتشار، زمانی است که هدف عمدی مرتکب بدنام کردن دادگاه و فرایند قضایی باشد، که با عنوان اهانت از طریق تهمت^۱ (بدنام کردن) نیز شناخته می‌شود. هدف از این نوع اهانت، مخدوش نمودن اعتماد جامعه به دادگاه و یا ایجاد تردید در صحت آرای آنان است. مشخص است که اظهار نظرهای دروغین و اثبات‌نشده یا اظهاراتی که در آینده اثبات نخواهد شد، اهانت تلقی می‌شود. بنابراین به بهانه حفظ اقتدار دادگاه یا اعتماد عمومی به دادگاه و به هر قیمت نمی‌توان آزادی بیان را محدود کرد؛ چه بسا، بیانات قانونی و مبتنی بر عدالت حتی اگر سبب رسوایی قاضی یا محکمه‌ای شود مورد حمایت خواهد بود.

۵. اهانت به دادگاه در نظام حقوقی ایران

در حقوق ایران، موضوع اهانت به دادگاه مشمول مقررات عام توهین است و مواردی از قبیل سرپیچی از دستور، قرار یا رأی دادگاه در معنای اخص توهین به اقتدار قضایی و دادگاه نیست. لذا در ایران، مقررات افتراقی و ویژه‌ای در باب اهانت به دادگاه به‌ویژه در مرحله دادرسی که بتوان آن را ذیل جرایم علیه عدالت قضایی بررسی کرد، وجود ندارد. لیکن، در پیش‌نویس لایحه تعزیرات معاونت حقوقی و امور مجلس که در آبان ۱۴۰۱ منتشر شد، در فصل ۴، برخی از رفتارها در قالب جرایم علیه عدالت قضایی شناسایی شده که مصادیقی از موارد اهانت به دادگاه، از جمله دخالت در امر قضا (ماده ۹۶)، ایجاد اختلال در دادرسی (ماده ۹۸) و نافرمانی از دستورات و تعهداتی که به دادگاه داده شده (ماده ۹۹) را جرم‌انگاری نموده است که البته مشخص نیست کی و با چه کیفیتی تصویب و به قانون تبدیل گردد و به‌تنهایی می‌تواند موضوع مقالات متعدد دیگری باشد. به هر روی، در اینجا به موارد قانونی فعلی و محدودی که بر اساس قوانین موضوعه ایران می‌تواند مصداق اهانت به دادگاه باشد، پرداخته می‌شود.

۵.۱. نافرمانی از دستورات دادگاه

از جمله مصادیق اهانت به دادگاه که در انگلستان موضوعیت هنجاری دارد، قصور یا نافرمانی در انجام دستور دادگاه یا مقاومت در برابر دادگاه است که در حقوق کیفری ایران مگر در موارد استثنایی مانند

1. Contempt by Scandalising the Court

جلب شاهد، یا بازداشت اخلاص گر در نظم دادگاه و یا برخورد با مجرمان محبوس، جرم‌انگاری دقیق دیگری دیده نمی‌شود.

در نظام داخلی، نافرمانی یا عدم اجرای دستورات دادگاه (با فرض داشتن استطاعت) که در عموم موارد در برگیرنده ترک فعل است، به جهت آنکه مخل نظم عمومی بوده، دارای ضمانت‌های اجرایی مشخص و محدودی است. البته بین برآورده نکردن خواسته‌های دادگاه‌های حقوقی و کیفری در فرایند دادرسی و عدم اجرای رأی دادگاه باید قائل به تفصیل بود. در پرونده‌های حقوقی که جنبه عمومی ندارند، در مواردی نظیر عدم ارائه اصولی اسناد، حاضر نشدن شهود، عدم حضور در دادگاه به نحوی که نتوان به موضوع رسیدگی کرد و پرداخت نکردن هزینه کارشناسی، واکنش مورد انتظار آن است که این موارد از عداد دلیل خارج شود یا حداکثر، پرونده با قرار رد مواجه گردد و ضمانت اجرایی خاص دیگری وجود ندارد. اما در پرونده‌های کیفری که معمولاً جنبه عمومی دارند در موارد عدم حضور شاهد (ماده ۳۲۰ آ.د.ک) یا متهم به تشخیص مقام رسیدگی کننده می‌توان وی را جلب و در اختیار دادگاه قرار داد. یا اگر مقام ذی‌صلاح تشخیص دهد می‌توان خواسته دادگاه مانند انجام کارشناسی را با هزینه دولت برآورده نمود (ماده ۱۵۷ آ.د.ک). در مرحله پسادادرسی نیز مقام قضایی با اقداماتی نظیر توقیف اموال، مصادره اموال یا بازداشت مجرم، سعی در اجرای رأی می‌نماید. در هر حال، نافرمانی از دستور دادگاه اعم از عمدی یا از سر بی‌مبالاتی، نه به آن جهت که بی‌احترامی به دادگاه است، بلکه به این علت که مخل نظم عمومی و به‌ویژه متزلزل کننده قدرت حاکمیتی است، با واکنش همراه است. این واکنش نیز صرفاً محدود به اجرای رأی است و واکنش کیفری ثانویه‌ای - مگر در موارد استثنایی - در قوانین داخلی دیده نمی‌شود.

روشن است، نافرمانی زمانی در پهنه حقوق کیفری مصداق پیدا می‌کند که تکلیفی موجود و برای تخطی از آن، مجازاتی پیش‌بینی شده باشد؛ مانند آنکه در فرایند دادرسی، کارشناس موظف باشد در مدتی مشخص نظر خود را ارائه دهد و اگر در این امر (بدون عذر موجه) قصور نماید با واکنش متناسبی مواجه گردد (ماده ۲۶۲ آ.د.م و ماده ۱۵۹ آ.د.ک). مثال قابل ذکر دیگر، در مرحله پسادادرسی، آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰ است که در مواد ۲۸، ۲۹، ۴۰ و ۴۱ ضمانت‌های اجرایی مقتدرانه‌ای برای موارد نافرمانی یا عدم اطاعت از دستورهای قانونی مسئولان، مراقبان و مأموران نهادهای تصریح شده در نظر گرفته است که هرچند مفید و کارا هستند، اما ناظر بر تغییر کیفیت مجازات حبس است و تمهیدات این آیین‌نامه در ماهیت خود، مجازات کیفری مضاعفی نبوده، به‌نوعی تنبیه انضباطی (انتظامی/ اداری) به حساب می‌آید.

به هر جهت، به‌نظر می‌آید، اجابت دستور دادگاه در حدود قانونی، به‌ویژه در مواردی که با حقوق عامه و اعتبار دادگاه پیوند دارد، تکلیفی است که برعهده مخاطب دستور دادگاه قرار دارد؛ ولی نبود ضمانت اجرایی کیفری متناسب برای این موضوع از خلأهایی است که در قانون داخلی به‌شدت احساس می‌شود.

۵.۲. توهین به دادگاه

برخلاف صراحت ماده ۶۰۸ تعزیرات، قانون استفساریه ۱۳۷۹ و آنچه که در ادبیات حقوق کیفری مرسوم است^۲، توهین را نباید صرفاً از طریق فعل یا استعمال الفاظ رکیک صریح یا ظاهر نسبت به شخص حقیقی دانست، بلکه امروزه نیازمند استفاده بهینه از ابزار کیفری هستیم و مقتضیات زمان در کنار منفعت عدالت ایجاب می‌کند که حتی ترک فعل‌های تحقیرکننده نیز مصداقی از توهین عملی به حساب آیند. از سوی دیگر، با وجود نظرهای مخالف، رویه قضایی حاکم بحث توهین عملی و غیرمستقیم را به صورت مطلق رد نکرده است^۳. با تمام اینها، سیر در قوانین ایران و آرای قضایی در کنار تعریفی که از توهین کیفری مطرح شده، مبین این واقعیت است که جایگاه، اعتبار و منزلت نهاد دادگاه فارغ از اعضای که در آن مشغول به خدمت هستند، هرگز از ارزش‌های مورد حمایت مقنن نبوده است.

نظر به رویه قضایی موجود و در فقدان قانونی افتراقی در باب توهین به دادگاه، این مقوله کاملاً تابع قوانین عمومی بوده، توهین به مقامات قضایی دادگاه‌های عمومی، مصداق توهین به کارمند دولت است^۴. مضافاً، نظر به رویه حاکم^۵، توهین به اعضای شوراهای حل اختلاف (و نه اعضای دادگاه‌های صلح) به این جهت که اعضای آن بر اساس قانون شوراهای حل اختلاف (۱۴۰۲) و قانون منسوخ پیشین آن، مأمور دولتی نبوده، نوعی همکاری افتخاری دارند، در زمره توهین ساده قرار می‌گیرد. با همین استدلال، توهین به اعضای مراجع شبه قضایی و شوراهای انتظامی نیز به فراخور موقعیت می‌تواند مصداقی از توهین ساده یا مشدد باشد. لذا، اگر توهین در معنای اصطلاح حقوق کیفری مد نظر باشد و به قاضی دادگاه به جهت سمت او یا در حال انجام وظیفه اهانت شود، صرفاً توهین به شخص حقیقی است؛ یعنی قاضی دادگاه بر اساس ماده ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) واجد مجازات است. بنابراین، اگر مرتکب نسبت به دادگاه توهینی را ابراز کند، مانند آنکه بگوید دادگاه فاسد است یا دادگاه بی‌عرضه است، عمل مرتکب مشمول هیچ‌یک از عناوین مجرمانه نخواهد بود. به این ترتیب، در این فرض، نهاد دادگاه به‌طور خاص و دستگاه قضا به‌طور کلی به‌عنوان شخص حقوقی بزه‌دیده‌ای واقع می‌شوند که مرتکب آن قابل مجازات نخواهد بود.

۱. قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت مندرج در مقررات جزائی مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات اسلامی و بندهای ۷ و ۸ ماده ۶ و مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات.

۲. توهین باید نسبت به مخاطب معین، حقیقی، صریح، حضوری یا علنی باشد و با ترک فعل محقق نمی‌شود.

۳. برای مثال، عریان کردن شخص در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۸۸۳۱۷۷۰۰۶۲۰ به تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۰ مصداقی از توهین عملی به حساب آمده است.
<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/27782>

۴. سامانه ملی آرای قضایی در دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۲۵۴۰۰۶۵۸ به تاریخ ۱۳۹۹/۳/۲۱
<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/36360>

۵. سامانه ملی آرای قضایی در دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۰۹۲۵۴۰۰۶۵۸ به تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۸
<https://ara.jri.ac.ir/Judge/Text/33417>

از سویی دیگر، توهین باید صریح، مستقیم و غیرقابل تفسیر باشد؛ لذا رفتارهایی مانند ایجاد اخلال در نظم دادگاه و سستی در اجابت خواسته دادگاه یا استفاده از پوشش نامناسب، مانند حضور در دادگاه با پیژامه و امثال این موارد، توهین به دادگاه نیست. بی تردید، هر رفتاری خلاف ادبی را باید با توجه به موقعیت سنجید. این رفتارها اگرچه جرم نیستند، لیکن مشخصاً تمسخر و تحقیر دادگاه را به همراه داشته و دادگاه را نزد جامعه بی ارزش جلوه خواهد داد. این خلأ قانونی و عدم حمایت از دادگاه در مقابل توهین به عنوان جرمی مطلق، امری است که باید مورد توجه قانون گذار باشد.

با این توصیف و در اندیشه‌ای متفاوت، رفتاری که مخل نظم دادگاه بوده یا حتی پتانسیل بالقوه‌ای برای ایجاد اخلال داشته باشد، به این جهت که همراه با خطر تحقیر نهاد دادگاه است، می‌تواند مصداقی از توهین باشد. در باب ایجاد اخلال در نظم دادگاه، ماده ۳۵۴ آ.د.ک رویکردی را برگزیده که با موازین یک سیاست جنایی کارآمد منطبق نیست؛ زیرا خطاب اصلی این ماده طرف‌های دعوی هستند و حتی همراهان و وابستگان آنان و به طریق اولی، شهروندان عادی را دربر نمی‌گیرد. از این رو، قاضی دادگاه صرفاً می‌تواند شخصی را که از اصحاب دعوا نیست از دادگاه اخراج کند. نکته قابل توجه‌تر آن است که برای مثال، اگر برادر و پدر مقتول در جلسه حاضر باشند و هر دو در نظم دادگاه اخلال ایجاد نمایند، دادگاه الزاماً باید پدر را از یک تا پنج روز حبس کند و حتی دادگاه در این فرض اختیار ندارد، بلکه تکلیف دارد؛ زیرا متن ماده این‌گونه مقرر داشته است: «...مگر اینکه اخلال کننده از اصحاب دعوی باشد که در این صورت رئیس دادگاه دستور حبس او را از یک تا پنج روز صادر می‌کند...». و جالب آنکه فقط می‌تواند برادر را اخراج نماید! به این ترتیب، این‌گونه استنباط می‌شود که اساساً هدف از این واکنش حمایت از نظم دادگاه است و نه جایگاه نهاد دادگاه. این ناهمگونی و کم‌دقتی در قانون گذاری که نشئت گرفته از این اندیشه سنتی است که اشخاص غیرحقیقی از جمله نهاد دادگاه نمی‌توانند بزه دیده تلقی شوند، سیاست جنایی را بدون تردید با بحران مواجه می‌سازد و موجب ناکارآمدی عدالت کیفری خواهد شد. چراکه صدور ضمانت اجرای سرکوبگر در قالب مجازات در یک قانون، خود به‌نوعی وهن آن نظام عدالت کیفری به‌شمار می‌آید و این جرم‌انگاری‌های پنهان (اگر با مسامحه زیاد آن را جرم بدانیم) اهداف عدالت کیفری را ناکارآمد جلوه می‌دهد.

همان‌گونه که گفته شد، در نظام حقوقی انگلستان انتشار مطالبی که موجب پیش‌داوری یا بدنامی یا تحقیر دادگاه شود، توهین به دادگاه و مداخله در فرایند اجرای قانون در خصوص یک رسیدگی درحال انجام و یا خاتمه‌یافته محسوب می‌گردد. این رویکرد در نظام حقوق کیفری ایران بسیار نامتجانس، ناهمگون و کاملاً بدون ضابطه است. در همین راستا، ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری با الهام از

۱. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۴). جرایم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان، ص ۴۸۶.

اصل علنی بودن رسیدگی‌ها، انتشارات جریان رسیدگی را تحت ضوابطی مانند عدم ذکر مشخصات شاکی و متهم در رسانه‌ها مجاز می‌داند. حال اگر یک خبرگزاری جریان رسیدگی را با ذکر مشخصات شاکی و متهم منتشر نمود، تکلیف چیست؟ چراکه ذیل این ماده در حکم افترا بودن را صرفاً ناظر بر انتشار مفاد حکمی قطعی و مشخصات محکوم‌علیه در غیر از موارد قانونی دانسته است و این کیفرگذاری ناظر بر صدر ماده نیست. بنابراین، از این رهگذر صرفاً ممنوعیت‌انگاری کرده و هیچ ضمانت اجرایی را برای آن متصور نشده است.^۱

وانگهی، در بسیاری از موارد و به‌ویژه در سال‌های اخیر، مشاهده می‌شود که رسانه پیش از آنکه مجرمیت متهمی در دادگاه احراز گردد در فرایند رسیدگی و پیش از پایان آن، ولو با مجوز مقام قضایی، فیلم اعترافات متهم را منتشر می‌کند و حتی آن را از نظر حقوقی تحلیل می‌نماید و جالب‌تر آنکه جزئیات را آن‌گونه که تمایل دارد بازگو می‌کند. در واقع، رسانه در صدور رأی پیش‌دستی می‌نماید و خود را در مقام شاکی یا مقام قاضی قرار می‌دهد! که احتمالاً ایجاد اختلال در اجرای عدالت است و با پیش‌دواری همراه خواهد بود و امکان دفاع را برای متهم کاهش داده، خواه ناخواه بر دادگاه و قضات رسیدگی‌کننده ولو در حد بسیار اندک تأثیر خواهد داشت. حتی اگر این امر با اجازه دادگاه اتفاق افتاده باشد، در اینکه متهم به احتمال زیاد محکومیت خواهد یافت آیا این مجوزی برای ارائه نتیجه تلویحی رسیدگی قضایی نیست؟! اظهار نظر در امری که تنها در صلاحیت دادگاه است به‌نوعی دخالت و توهین به دادگاه بوده، چالشی جدی برای استقلال قضایی خواهد بود که نیازمند چاره‌اندیشی است.

افزون بر آن، قانون‌گذار در تبصره ۱ ماده ۳۵۳ آ.د.ک، هرگونه عکسبرداری و تصویربرداری یا ضبط صدا از جلسه دادگاه را ممنوع اعلام نموده و حتی جرم‌انگاری نکرده و همانند متن ماده برای این ممنوعیت هیچ‌گونه ضمانت‌اجرایی را ترسیم نساخته است. بنابراین، اگر این اقدام مرتکب موجب شود که روند دادرسی با اختلال مواجه شود و مفهومی را که اهانت به دادگاه تبیین شده مفروض دارد، نظام عدالت کیفری ایران در این خصوص کاملاً منفعل و بی‌روح است.

۶. نتیجه‌گیری

مراجع قضایی زمانی می‌توانند به یک اتهام به دور از هرگونه ملاحظه سیاسی و مناقشه اجتماعی رسیدگی کنند که خود در استقلال، قدرت و امنیت قضایی کامل باشند و تشویشی به خود راه ندهند. از

۱. البته قانون‌گذار برای حل کاستی‌های ناشی از عدم کیفرگذاری از سوی مقنن، به‌موجب ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی این‌گونه عنوان نموده است: مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.

این رو، زمانی که دادگاه مورد اهانت واقع شده، فرامین او سرسری گرفته می‌شود و یا اقتدار او در سایه قدرتی مافوق یا رسانه و یا تبلیغات است، بدون تردید بسترهای لازم برای برپایی یک دادرسی عادلانه و کارا فراهم نخواهد شد.

بی‌شک اعتبار قانون و دستگاه قضا به حفظ شأن، منزلت و قداست آن گره خورده است. مقوله اهانت به دادگاه و نافرمانی از آن به‌عنوان یکی از مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی، امری است که به‌راحتی می‌تواند اعتبار دستگاه قضا و نظام تقنینی را متزلزل ساخته، اعتماد مردم به امکان اجرای صحیح عدالت را مخدوش کند. از این جهت است که برخی از کشورها مانند انگلستان در صدد برآمدند تا از گذر تصویب قوانین در کنار نظام عرفی خود، این قبیل اهانت‌ها یا نافرمانی‌ها را مورد بازخواست قرار داده، از این رهگذر عدالت کیفری را هرچه بیشتر نهادینه نمایند و از نظام دادرسی، دستگاه قضا و مقام رسیدگی‌کننده حمایت کنند. با اینکه انگلستان بیش از هشت قرن این توفیق را داشته است تا با هنجارهای مستحکم و متقن به این قبیل رفتارها پاسخ دهد و حتی بیش از نیم قرن پیش برای آن قوانینی در پارلمان تصویب کند، اما نظام عدالت کیفری ایران مگر در موارد خاص، مانند آنچه در آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور آمده است، سازوکار برارنده و منسجمی برای این امر و حمایت از ارزش‌های قضایی خود نیندیشیده و صرفاً به صورت پراکنده و از رهگذر عمومات، برخی از رفتارهای وهن‌آور علیه دادگاه را مورد اشاره قرار داده است. بحث توهین به دادگاه و نافرمانی از آن در لایحه تعزیرات که در آبان ۱۴۰۱ منتشر شد نیز به صورت برجسته مورد توجه نبوده و مختصراً به موارد پراکنده‌ای اشاره شده است که درخور نیازهای جامعه امروزی نیست. باید اذعان نمود که عدم حضور شاهد، اخلال در نظم دادگاه و یا موارد انضباطی زندانیان به معنای اخص جرم نیست، اما در این لایحه از این رفتارها با عناوین مجرمانه یاد شده که بی‌شک قابل نقد است. پس گزافه نیست اگر بگوییم اهانت به دادگاه در نگاهی تخصصی هرگز در نظام داخلی جرم‌انگاری نشده است.

به هر روی، با توجه به تجربیات کشورهای توسعه‌یافته و به‌ویژه نظام مورد بررسی در این مقاله و با صحیح انگاشتن این پیش‌فرض که تمام نظام‌های حقوقی دنیا عدالت‌محور هستند، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. همان‌گونه که مقنن برای برخی افراد و مقامات و مقدسات مذهبی قائل به ارزش است، برای دادگاه و اجرای عدالت هم باید قداستی نسبی و تمهیدات خاص حمایتی در نظر بگیرد. بدین روی، اندیشه منسوخ پیشین که قضاوت فقط مستخدمان عادی دولتی هستند باید اصلاح شود. البته این به آن معنا نیست که فرد قاضی نسبت به دیگر آحاد جامعه برتری خاصی دارد، بلکه نهاد دادگاه و جایگاه قضاست که باید مورد حمایت جدی باشد.

۲. توهین مستقیم و غیرمستقیم به دادگاه (در محضر دادگاه و خارج از آن) باید در قوانین داخلی به صورت دقیق و با جزئیات شناسایی گردد و در مواردی که در دادگاه اهانتی حادث شود، دادگاه‌ها

اعم از حقوقی و کیفری باید این اختیار را داشته باشند که به منظور حفظ اقتدار خود و نظم دادگاه و همچنین پیشگیری از هر نوع مداخله، بلافاصله و به صلاحدید خود، واکنش قانونی، قاطعانه و متناسب نسبت به تمام حاضران دادگاه (نه فقط اصحاب دعوا) نشان دهند. باید اعتراف کرد که دستور اخراج از دادگاه یا بازداشت به مدت حداکثر ۵ روز واکنش ضعیفی است و قدرت بازدارندگی لازم را ندارد. لذا، استفاده از مجازات‌های مالی و حتی حبس‌های درجه ۶ تا ۸ به‌مثابه آنچه در نظام حقوقی انگلستان تجربه شده است، مفید به نظر می‌رسد. البته در اینکه دستگاه قضایی ایران ظرفیت و زیرساخت‌های لازم برای پذیرش چنین اختیاراتی را دارد یا خیر، موضوع تحقیق دیگری است که در این مقاله بررسی نشده است.

۳. هرچند افزودن به سیاهه جرایم، مگر در موارد ضروری و فنی، مقبول عقلای حقوقی نیست و با اصل کمینه بودن حقوق کیفری در تضاد است، لیکن حرمت دادگاه و اعتماد جامعه به آن دارای چنان جایگاهی است که استفاده از ابزار کیفری برای حمایت از آن و مردم را توجیه می‌کند. به این جهت، نافرمانی عمدی با وجود قدرت اجرای دستورات دادگاه، باید دارای ضمانت‌های اجرایی مقتدرانه‌ای باشد و حتی عدم ایفای تعهدی که به دادگاه داده شده یا عدم استجابات تعمدی دستورات دادگاه باید وصف کیفری به خود بگیرد. با این توضیح، نافرمانی از دادگاه می‌تواند به عنوان نوعی توهین به دادگاه و ضایع‌کننده حقوق محکوم‌له و حتی کل جامعه تفسیر شود.

نهایتاً بر اساس تجربیات موجود به نظر می‌آید، برخلاف نظام حقوقی انگلستان، تفویض اختیارات گسترده برای تفسیر موسع جرم اهانت به دادگاه به محاکم ایران دارای تالی فاسد باشد و بهتر است موارد اهانت به دادگاه صراحتاً در قوانین منعکس گردد و بسیار محدود با عدم امکان تفسیر موسع باشد. باید به این نکته توجه داشت که به بهانه حمایت از دادگاه و نظام قضایی، آزادی جامعه محدود نشود و کرامت و حقوق متهم و اصحاب دعوا در هر حال رعایت گردد؛ به این معنا که مردم برای استیفای حقوق خود از ترس متهم شدن به جرم اهانت به دادگاه به لکنت نیفتاده و ترسی به خود راه ندهند. بدین سان، شایسته است که از گذر تدوین و تصویب قوانین مناسب از مضمحل شدن چهره نظام حقوقی و محاکم قضایی در پیشگاه شهروندان ممانعت به‌عمل آید و این اطمینان خاطر به جامعه داده شود که عدالت در هر حال اجرا خواهد شد و هیچ تعرض یا مداخله‌ای در امر قضا و اجرای عدالت بی‌پاسخ نخواهد ماند. به هر روی با توجه به پتانسیل‌های موجود داخلی، نگارندگان این تحقیق، ماده قانونی زیر را در موارد اهانت به دادگاه یا نافرمانی از آن به این ترتیب پیشنهاد می‌دهند.

«تشخیص اهانت به دادگاه و یا نافرمانی از این نهاد قضایی در فرایند دادرسی و تعیین مجازات اعم از آنکه اهانت در دادگاه حقوقی یا کیفری حادث شده باشد برعهده رئیس دادگاهی است که اهانت یا نافرمانی در حیطه کاری آن محکمه بوده است و همان دادگاه بلافاصله و در صورت معذوریت یا نیاز به تحقیق بیشتر تا پیش از ختم رسیدگی، به موضوع رسیدگی می‌کند و در صورت صلاحدید، می‌تواند پس

از تذکر برای یک بار به مرتکب اجازه اصلاح رفتار را بدهد یا تعیین مجازات نماید؛ مگر آنکه اهانت مستقیماً متوجه قاضی باشد یا اهانت در خارج از دادگاه رخ دهد و یا رسیدگی در صلاحیت ذاتی آن دادگاه نباشد. موارد اهانت به دادگاه منحصر به موارد زیر است و قابلیت تسری به سایر موارد را ندارد:

الف) در موارد نافرمانی یا اهانت مستقیم در محضر دادگاه، اعم از سستی در پاسخ دادن به خواسته یا دستورات دادگاه؛ اتیان سوگند بدون مجوز دادگاه؛ پرخاشگری که به حد توهین نرسد؛ اظهار نظر بدون مجوز دادگاه؛ ایجاد اخلال یا قطع صحبت‌های قاضی، وکلا، شهود، کارشناسان و یا اصحاب دعوا؛ ایجاد صداهای بلند و نامتعارف؛ تولید بوی مشمئزکننده؛ تمسخر دادگاه؛ استفاده از پوشش نامتناسب با شأن دادگاه؛ استفاده از تصاویر، نمادها و پلاکاردهای نامتعارف که نسبت به نژاد، قوم، ملیت یا مذهبی خاص یا اصحاب دعوا و یا حاضران یا حاکمیت ایجاد حساسیت نماید؛ تلاش برای منحرف کردن روند رسیدگی و تلاش برای اطلاع‌رسانی، رسیدگی، دارای مجازات درجه ۶ یا ۷ است. در مواردی که رفتار مرتکب اخلاقی جدی در روند رسیدگی ایجاد کند یا موجب تأخیر در فرایند رسیدگی شود، مجازات حبس درجه ۶ تعیین خواهد شد.

ب) توهین به دادگاه یا حاضران یا افراد خارج از دادگاه مشمول مجازات مقرر در مواد ۶۰۸ و ۶۰۹ قانون مجازات بخش تعزیرات است.

ج) هرگونه فعلی از جانب اشخاص یا رسانه‌ها که در مقام قضاوت و پیش‌داوری در فرایند رسیدگی، متهمی را مجرم یا بی‌گناه معرفی کند؛ جزئیات محکومیت‌های قبلی و یا اعترافات متهم را بدون مجوز دادگاه نشر دهد؛ در مورد شخصیت متهم اظهارات تأیید نشده یا محرمانه‌ای را انتشار دهد؛ در مورد کیفیت و جزئیات پرونده نظر قضایی بدهد؛ این احساس را ایجاد کند که دستگاه قضایی فاقد استقلال، قدرت یا صلاحیت رسیدگی است و یا حس اعتماد به دستگاه قضا و اجرای عدالت را به صورت مؤثر و مشهودی متزلزل سازد، مجازات حبس درجه ۶ را خواهد داشت.

د) عدم اجابت دستورات یا احکام دادگاه در موعد تعیین شده در صورت داشتن تمکن در مرحله پسادادرسی و اجرای حکم، علاوه بر تنبیهات انتظامی خاص قانونی، مجازات درجه ۷ یا ۸ را خواهد داشت.

تبصره ۱: هر رفتاری اعم از گفتار یا ایراد سخنرانی یا انتشار مطالب و انجام حرکات توهین‌آمیز یا ترک فعل، یا مداخله‌ای که باعث ایجاد مانع در اجرای عدالت شود و یا خطر قابل توجهی در مسیر اجرای عدالت ایجاد کند و یا موجب پیش‌داوری گردد و یا اقتدار دادگاه و قاضی را به سخره گیرد و به او توهین کند یا فرامین دادگاه را سبک جلوه دهد و یا اخلال در نظم دادگاه ایجاد کند، مصداقی از اهانت به دادگاه یا نافرمانی از آن محسوب می‌شود.

تبصره ۲: تشخیص موارد اهانت در مرحله پسادادرسی و اجرای حکم به‌عهده قاضی اجرای احکام است که پس از تأیید یا اصلاح نظر قاضی اجرای احکام، در دادگاهی که حکم در آن قطعیت یافته است بلافاصله قابلیت اجرا خواهد داشت.

تبصره ۳: در مواردی که اهانت متوجه شخص قاضی باشد، وی می‌تواند به متهم فرصت پوزش و اصلاح رفتار خود را بدهد و در غیر این صورت قاضی گزارش اهانت را به دادستان ارائه می‌دهد تا وی با طی فرایندهای لازم، پرونده را به مرجع صالح ارسال نماید.

تبصره ۴: بررسی موضوع اهانت در شوراها حل اختلاف و مراجع شبه قضایی، در صورتی که مقرره خاصی برای آنها پیش‌بینی نشده باشد، به‌عهدۀ دادگاه بخش یا کیفری محل ارتکاب است.

تبصره ۵: منظور از محضر دادگاه، فضای داخل ساختمان دادگستری و شوارع و یا فضاهای پیرامون آن است، به نحوی که رفتار اهانت‌آمیز را بتوان مؤثر بر نظم یا اقتدار دادگاه در حیطة موضوع مورد بررسی در آن دادگاه دانست.

تبصره ۶: چنانچه اهانت در محضر دادگاه نباشد، محکمه می‌تواند با موافقت رئیس حوزه قضایی و با حضور دادستان یا نماینده وی مستقیماً به موضوع اهانت رسیدگی کند؛ در غیر این صورت دادستان پس از فرایند تحقیق و تعقیب با صدور کیفرخواست پرونده را به همان دادگاه یا دادگاه صالح دیگری ارسال می‌نماید.

تبصره ۷: جرم اهانت به دادگاه جرمی مطلق است، لیکن توهین یا خطر اتفاقی ایجادشده ناشی از رفتارهای باحسن‌نیت، از شمول این ماده خارج است.

تبصره ۸: دادگاه می‌تواند در مواردی که احتمال ایجاد پیش‌داوری یا بدبینی به اجرای عدالت و یا اختلال در نظم دادگاه وجود دارد، دستورات لازم اعم از جلوگیری از انتشار مطلب یا اظهار نظر در رسانه‌ها را با قید مدت صادر نماید.

تبصره ۹: توهین از جانب وکیل یا کارشناس رسمی دادگستری یا مأموران دولتی عامل مشدده است و علاوه بر تعیین مجازات کیفری، موارد اهانت به مرجع صنفی برای تعیین مجازات انتظامی متناسب انعکاس داده خواهد شد.

منابع

الف) فارسی

- کتاب‌ها

۱. خزانی، منوچهر (۱۳۷۷). *فرآیند کیفری* (مجموعه مقالات). چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
۲. کوشا، جعفر (۱۳۸۱). *جرایم علیه عدالت قضایی*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۳. یکرنگی، محمد (۱۳۹۱). *جرایم علیه اجرای عدالت قضایی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات خرسندی.
۴. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۴). *جرایم علیه اشخاص*. تهران: نشر میزان.
۵. مهرا، نسربین (۱۳۹۲). *دانشنامه حقوق کیفری انگلستان*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۶. مهرا، نسربین (۱۳۹۸). *دایره‌المعارف عدالت کیفری انگلستان*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.

- مقالات

۷. ائیمی، حمیدرضا و محمودی جانکی، فیروز (۱۴۰۳). ارزیابی «پیوند حقوقی»، امکان‌سنجی اصلاحات در حقوق کیفری و محدودیت‌های آن. *مجله حقوق تطبیقی*، ۱۵ (۱)، ۱-۲۲.
۸. توجهی، عبدالعلی و مسعودیان، مصطفی (۱۳۹۲). تحلیل فقهی - حقوقی جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله دادرسی و صدور حکم. *دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*.
۹. نجارزادگان، فتح‌الله و مسعودیان، مصطفی (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی از دیدگاه قرآن و حقوق کیفری. *مجله پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*، ۳ (۱)، ۳۳-۴۰.

- (ب) انگلیسی

- Books

1. Com, L. (2013). *THE LAW COMMISSION CONTEMPT, Contempt of Court(1): Juror Misconduct and Internet Publications*.
2. Cram, I. et al. (2010). *Borrie and Lowe: The Law of Contempt*. LexisNexis (Borrie & Lowe: Law of Contempt). Available at: <https://books.google.com/books?id=W3HkPgAACAAJ>.
3. Hammond KNZM, H. S. G. et al. (2014). *IP36 Contempt in Modern New Zealand*.
4. New Zealand Law Commission (2017). *R140 Reforming the Law of Contempt of Court: A Modern Statute* - Available at: <http://lawcom.govt.nz/our-projects/contempt-court?id=1417>.

- Articles

5. Burd, R. and Horan, J. (2012). Protecting the right to a fair trial in the 21st century - has trial by jury been caught in the world wide web?, *Criminal Law Journal*, 36 (2), pp. 103-122.
6. Crone, T. (2021). *Contempt of Court, Law and the Media*. doi: 10.4324/9780080496030-24.
7. Livingston, M. (2000). *Washington Law Review Disobedience and Contempt*, 75 (2).

- Cases

8. *Attorney General v Davey and Attorney General v Beard* [2013] EWHC 2317
9. *Balogh v St. Albans Crown Court* [1975] 1 QB 73.
10. *Director of the Serious Fraud Office v B* [2014] A.C. 1246.
11. *Hinch v A-G (Vic)* (1987) 164 CLR 15, 46.
12. *Morgan v State of Victoria* (2008) 22 VR 237, 269 [145]
13. *Registrar, Court of Appeal v Collins; Collins v Registrar, Court of Appeal* [1982] 1 NSWLR 682, 708.
14. *Robertson and Gough* [2007] H CJAC 63.
15. *The Sunday Times v The United Kingdom* no 6538/74, 26/04/1979, ECHR.